

فارسی ششم:

بو علی و بهمنیار



Elnaky.com



بهمنیار

• شاگرد باهوش، مقرب اما کمی مغرور!



بوعلی سینا

• استاد بزرگ، دانشمند و طبیب بی نظیر

Elnaky.com

استاد! شما سرآمد همه مردم هستید. با
این هوش و استعداد خدادادی، چرا خود را
پیامبر خدا معرفی نمی‌کنید؟

Elnaky.com



بوعلى بارها اين حرف را شنیده بود اما جوابی نمی‌داد... تا اینکه
در یک شب سرد و یخبندان زمستانی، فرصت مناسب فرا رسید.

بهمنیار! برخیز و ظرف آب را از بیرون بیاور که سخت تشنه‌ام.

استاد! هوای بیرون خیلی سرد است... آب یخ بسته. آب سرد برای سینه شما خوب نیست!

Elnaky.com



در اوج یخبندان، صدای دلنشین اذان سکوت شب را شکست.

من استاد تو هستم و تو حاضر نشدی در
سرما برایم آب بیاوری. اما آن مرد، برای
اجرای فرمان پیامبری (ص) که ۴۰۰ سال پیش
می‌زیسته، در این یخبندان از خواب و
آسایش خود گذشت!

Elnaky.com

تفاوت عشق واقعی و ادعای ظاهری



شاگردِ بوعلی (بهمنیار)

- ❁ فاصله زمانی: در قید حیات (حاضر)
- ❁ میزان فداکاری: تسلیم در برابر سرما
- ❁ نتیجه: ادعای بدون عمل



پیرو پیامبر (مؤذن)

- ❁ فاصله زمانی: ۴۰۰ سال پس از پیامبر
- ❁ میزان فداکاری: تحمل یخبندان برای ادای تکلیف
- ❁ نتیجه: ایمان و عشق قلبی عمیق

نقشه عناصر داستان (بخش اول)



شخصیت‌ها:
بوعلی سینا، بهمنیار،
مرد مؤذن



زمان: شب سرد
و یخبندان زمستان،
نزدیک سحر



مکان: خانه بوعلی،
اتاق گرم زیر کرسی

Einaky.com

نقشه عناصر داستان (بخش دوم)

پیشنهاد
پیامبری

تشنگی
استاد

بهانه آوردن
شاگرد

صدای اذان
در سرما

کشف
حقیقت

Elnaky.com



پیام داستان: نفوذ کلام پیامبر الهی در دل مؤمنان پس
از قرن‌ها و تفاوت ایمان عملی با ادعای زبانی.

چرا بهمنیار به بوعلی آن پیشنهاد را کرده بود؟



پاسخ: زیرا بوعلی استعدادی کم نظیر داشت، سرآمد مردم بود و بهمنیار به شدت شیفته‌ی علم او شده بود.



Elnaky.com

بوعلی چگونه بهمنیار را به اشتباهش آگاه کرد؟



پاسخ: با یک امتحان عملی در شب سرد زمستانی، تا بهمنیار قدرت نفوذ کلام پیامبر (ص) را با چشم خود ببیند.



امیدواریم از این داستان و درس زیبای آن لذت برده باشید.



برای آموزش‌های بیشتر به سایت **Elnaky.com** سر بزنید!